

سمنت معدن تجارت

مشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «سمنت»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۸۱۰۵۲۸۸ – ۰۹۱۹۱۳۵۱۴۰۶	
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com	
تلفن: ۰۲۱۹۰(داخلی)–(۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۰۸۸۱۰۵۲۸۸	
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی – کوچه آزادگان شماره ۲۶ – کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی	
عضو انجمن مدیران رسانه	
عضو تعاونی مطبوعات	

در بررسی تبعات مازوت‌سووزی در نیروگاه‌های پنهان سوخت‌های جایگزین

ناترازی گاز طبیعی در ایران دیگر یک پدیده مقطعی نیست، بلکه به مسئله‌ای ساختاری تبدیل شده است. رشد مصرف خانگی، فرسودگی شبکه، افت فشار در میدان گازی و عقب‌ماندگی سرمایه‌گذاری در بالادست و زیرساخت‌ها، هر سال با آغاز فصل سرد، دولت را ناگزیر به فعال‌سازی سننار یوهای جایگزین می‌کند. در این میان، مازوت و نفت سفید به‌عنوان سوخت‌های در دسترس، نقش «ضربه‌گیر» را برای نیروگاه‌ها و برخی بخش‌های مصرفی ایفا می‌کنند. این بازگشت اما بیش از آنکه حاصل انتخابی آگاهانه باشد، نتیجه نبود گزینه‌های کم‌هزینه‌تر در کوتاه‌مدت است.

ناترازی مزمن گاز

آن نشانه‌ای از تعمیق شکاف میان ظرفیت تولید انرژی و الگوی مصرف به‌شمار می‌رود.

از نگاه کارشناسان انرژی، اتکا به این سوخت‌ها بیش از آنکه یک «راه‌حل» باشد، نوعی تعویق مسئله اصلی است. هر سال مصرف مازوت و نفت سفید افزایش می‌یابد، اما هم‌زمان هزینه‌های جانبی آن نیز به‌شکل تصاعدی رشد می‌کند؛ هزینه‌هایی که در محاسبات بودجه‌ای و ترازنامه‌های رسمی به‌طور کامل دیده نمی‌شوند. به‌بیان دیگر، کشور با سوزاندن سوخت ارزان در ظاهر، بهای سنگینی را در لایه‌های پنهان اقتصاد و محیط‌زیست می‌پردازد.

پیامدهای زیست‌محیطی

گازهای گلخانه‌ای، خطرات ایمنی و بهداشتی خاص خود را دارد. از سوی دیگر، سوزاندن این سوخت‌ها با تمهیدات زیست‌محیطی و اهداف کاهش شدت انرژی همخوانی ندارد و عملاً مسیرگذار به انرژی پاک را دشوارتر می‌کند. کارشناسان محیط‌زیست تأکید می‌کنند؛ هزینه واقعی این سوخت‌ها تنها در نرخ تمام‌شده آنها خلاصه نمی‌شود. خسارت به اکوسیستم‌ها، افزایش بیماری‌های تنفسی و کاهش کیفیت زندگی، بخشی از هزینه‌هایی است که به‌صورت غیرمستقیم بر دوش جامعه گذاشته می‌شود. در این چارچوب، استفاده مداوم از مازوت و نفت سفید را می‌توان نوعی «پارانه پنهان آلودگی» دانست؛ پارانه‌ای که آثار آن دیرتر اما عمیق‌تر نمایان می‌شود.

راهکارهای خروج از چرخه مازوت

حل مسئله وابستگی به مازوت و نفت سفید، نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های هم‌زمان در عرضه و تقاضاست. در بخش عرضه، سرمایه‌گذاری در افزایش تولید گاز، توسعه میدان مشترک و ارتقای ظرفیت ذخیره‌سازی فصلی اهمیت کلیدی دارد. نیروگاه‌های سیکل ترکیبی با راندمان بالا می‌توانند مصرف سوخت را به‌طورمعناداری کاهش دهند و فشار بر شبکه گاز را کم کنند. همچنین توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، هرچند در کوتاه‌مدت جایگزین کامل نیست، اما در بلندمدت نقش مهمی در تنوع‌بخشی به سبد انرژی ایفا خواهد کرد. در سمت تقاضا، مدیریت مصرف و بهینه‌سازی انرژی اولولیتی اجتناب‌ناپذیر است. بهبود استانداردهای ساختمان، نوسازی ناوگان گرمایشی و افزایش بهره‌وری صنعتی می‌تواند مصرف گاز را کاهش دهد و نیاز به سوخت‌های جایگزین را محدود کند. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هر واحد سرمایه‌گذاری در بهینه‌سازی، بازدهی بالاتری نسبت به افزایش تولید دارد.

در نهایت، سیاست‌گذاری شفاف و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی می‌تواند مسیر خروج از چرخه تکراری کمبود گاز و مصرف مازوت را هموار کند. به اعتقاد کارشناسان، تا زمانی که تصمیمات مقطعی جایگزین برنامه‌ریزی بلندمدت شود، مازوت و نفت سفید همچنان مهمان ناخواسته زمستان‌های ایران خواهند بود. گذار به نظام انرژی پایدار، اگرچه دشوار و زمانبر است، اما تنها راه کاهش هزینه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی و تضمین امنیت انرژی در سال‌های پیش‌رو محسوب می‌شود.

سخن پایانی

بحران آلودگی هوا در ایران طی سال‌های گذشته به یکی از جدی‌ترین معضلات زیست‌محیطی و اجتماعی کشور تبدیل شده است. با آغاز هر زمستان، هم‌زمان با افزایش مصرف گاز خانگی، نیروگاه‌ها و صنایع بزرگ کشور به ناچار به‌سمت استفاده از سوخت‌های جایگزین مانند مازوت و گازوئیل سوق داده می‌شوند. این در حالی است که بارها نسبت به آثار مخرب مازوت بر سلامت عمومی و محیط‌زیست هشدار داده شده است. برخلاف تصور، مصرف مازوت محدود به زمستان نیست. در گذشته برخی نیروگاه‌ها حتی در ماه‌های گرم سال نیز به سوزاندن مازوت ادامه می‌دادند و اکنون همان‌طور که توکلی اشاره کرده، در تابستان ۱۴۰۴، در میانه شدیدترین بحران کمبود برق، تمام نیروگاه‌ها به استفاده از مازوت روی آوردند. اکنون با گذشت یک سال از آخرین زمستان پرمازوت و در شرایطی که حتی تابستان نیز از مصرف این سوخت الاینده در امان نمانده، هنوز راه‌حلی بنیادین برای این بحران ارائه نشده است.



طرح: حسین علیزاده

توقف معاملات باز ار مسکن

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران گفت: نوسانات شدید و غیرمعتارف نرخ ارز با ایجاد فضای روانی و نااطمینانی در بازار، باعث تردید فروشندگان و توقف معاملات مسکن شده است، بدون آنکه الزاماً افزایش واقعی نرخ رخ دهد.

خشایار باقرپور، در گفت‌وگو با مهر با اشاره به تأثیر نوسانات نرخ ارز بر بازار مسکن، گفت: در بررسی تحولات بازار ارز و اثرگذاری آن بر بازار مسکن، با دو پیامد اصلی مواجه هستیم که یکی مربوط به کوتاه‌مدت و دیگری مربوط به بلندمدت است.

وی افزود: در کوتاه‌مدت، اثر اصلی نوسانات ارز، اثرات روانی است؛ به این معنا که بدون آنکه الزاماً تغییر قیمتی مشخصی در بازار مسکن رخ دهد، فضای بازار به‌شدت مشوش و ملتهب می‌شود. البته باید میان یک روند افزایشی نرمال در بازار ارز و موج‌های افزایشی شدید و غیرعادی، مانند آنچه در هفته‌های اخیر شاهد آن بودیم، تفاوت قائل شد، چراکه آثار این دو وضعیت کاملاً متفاوت است.

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران تصریح کرد: تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد هر زمان نرخ ارز به‌صورت غیرطبیعی و مهارنشدنی افزایش پیدا می‌کند، نخستین پیامد آن بروز آشفتنگی در بازارهاست. در چنین شرایطی، همان‌طور که در بازارهایی مانند موبایل، مصالح ساختمانی و سایر بازارها نیز مشاهده شد، فروشندگان دچار تردید در فروش می‌شوند.

باقرپور ادامه داد: علت اصلی این رفتار آن است که فروشندگان نگران هستند پس از فروش ملک، نتوانند دارایی خود را با شرایط جدید جایگزین کنند یا وجه دریافتی را در سایر بازارها به‌کار بگیرند. توقف و ایست بازارهای موزای و تغییرات سریع قیمت‌ها باعث شده فروشندگان احساس نااطمینانی داشته باشند و نتوانند اهداف مالی خود را دنبال کنند.

وی گفت: امروز بازار مسکن بیش از آنکه از افزایش واقعی قیمت‌ها آسیب ببیند، از آثار روانی نوسانات نرخ ارز متأثر شده است. توقف معاملات مسکن عمدتاً ناشی از تردید و انصراف فروشندگانی است که پیش‌تر در بازار فعال بودند. مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران تأکید کرد: بسیاری از فروشندگانی که حتی دو تا چهار ماه در انتظار مشتری بودند، امروز حداقل یک یا دو متقاضی جدی دارند، اما خودشان به دلیل شرایط موجود تمایلی به فروش نشان نمی‌دهند. بدون تردید، در بلندمدت همین آثار روانی می‌تواند به تغییرات واقعی قیمتی در بازار مسکن منجر شود. این مقام صنفی یادآور شد: پیش‌تر نیز جهش نرخ در بازار مسکن را پیش‌بینی کرده بودیم، اما در آن مقطع امکان تعیین زمان دقیق وجود نداشت. اکنون می‌توان با اطمینان گفت که در صورت عدم تحقق ریزش ۳۵ تا ۴۰ درصدی نرخ ارز، این جهش قیمتی تا پایان سال به‌طور قطعی رخ خواهد داد.

وی افزود: فضای روانی حاکم بر بازار به‌گونه‌ای شکل گرفته که خریداران ناچار هستند برای جلب نظر فروشندگان، پیشنهادهای اغواکننده‌تری ارائه دهند و همین پیشنهادها به‌تدریج به یک پایه قیمتی جدید در بازار مسکن تبدیل می‌شود.

مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران تأکید کرد: این وضعیت می‌تواند در بلندمدت و احتمالاً در اواسط سال آینده، منجر به شکل‌گیری موج دوم افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن شود. در شرایط فعلی، املاک زیر ۱۰ میلیارد تومان در شهر تهران عملاً با انصراف فروشندگان از فروش مواجه شده‌اند، در حالی که بیشترین حجم تقاضا نیز دقیقاً در همین بازه قیمتی متمرکز است. وی یادآور شد: این واحدها عمدتاً از مناطق میانی شهر تهران به سمت مناطق جنوبی قرار دارند. با وجود افزایش تقاضا، معاملات در این بخش از بازار عمدتاً به دلیل توقف از سوی فروشندگان انجام نمی‌شود. باقرپور عنوان کرد: در واحدهای با قیمت‌های بالاتر هنوز تحول محسوس‌ی در بازار مشاهده نمی‌شود، اما بدون تردید با اندکی تأخیر، موج افزایش نرخ به این بخش از بازار نیز سرایت خواهد کرد. در شرایط عادی، نوسانات نرخ ارز معمولاً با یک وقفه چندماهه اثر خود را در بازار مسکن نشان می‌دهد، اما امروز به دلیل غیرمعتارف بودن شدت و سرعت نوسانات ارزی، این تأثیرگذاری با فاصله زمانی کوتاه‌تری در حال وقوع است. این مقام صنفی در پایان گفت: این سرمایه‌ها به سمت بازار مسکن و به‌طور کلی املاک سرریز می‌شود، با این تفاوت که این کاهش نرخ ارز الزاماً به کاهش محسوس نرخ مسکن منتهی نخواهد شد و احتمالاً تنها مانع از جهش شدید قیمت‌ها در این بازار می‌شود.

بازندگان موج‌های قیمتی

شاهین صفارزاده- کارشناس بازارهای مالی: در اقتصاد ایران، «موج‌های هیجانی» واژه‌ای آشناست؛ موج‌هایی که معمولاً با یک خبر سیاسی، یک تنش منطقه‌ای، یک شایعه اقتصادی یا حتی یک اظهارنظر مبهم آغاز می‌شوند و در مدت‌زمانی کوتاه، بازارهایی مانند ارز، طلا، مسکن یا خودرو را دچار تلاطم می‌کنند. در این فضا، قیمت‌ها به‌سرعت بالا می‌روند، صف‌های خرید شکل می‌گیرد و ترس جا ماندن از سود جای تحلیل و عقلانیت را می‌گیرد. اما مرور تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که این هیجان‌ها، تقریباً همیشه قربانیانی مشخص داشته‌اند؛ مردم عادی و خریداران شتاب‌زده.

الکوی تکرارشونده جهش‌ها

اگر به جهش‌های ارزی سال‌های گذشته نگاه کنیم، یک الگوی مشترک به‌وضوح دیده می‌شود. در مقاطعی که تنش‌های سیاسی یا ابهامات بین‌المللی افزایش یافته، نرخ ارز با سرعت بالا فته و فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی پر شده از هشدارها درباره «گرانی بیشتر در راه است». در چنین شرایطی، بسیاری از مردم برای حفظ ارزش دارایی خود یا کسب سود، وارد بازار شده‌اند؛ حتی کسانی که هیچ شناختی از سازکار بازار نداشتند. اما پس از فروکش کردن تنش‌ها یا روشن‌تر شدن فضای سیاسی، قیمت‌ها به‌تدریج اصلاح شده‌اند. در این مرحله، خریداران هیجانی با واقعیتی تلخ روبرو شده‌اند؛ دارایی که در اوج نرخ خریددهاند، حالا یا راکد شده یا ارزش آن کاهش یافته است.

تجربه‌ای که بارها تکرار شد

سال‌هایی بوده که دلار در مدت کوتاهی جهش‌های سنگین را تجربه کرده و بسیاری از مردم با فروش دارایی‌های دیگر یا حتی وام‌گرفتن، وارد بازار ارز شده‌اند. اما پس از آرام‌شدن فضا، نفع‌تها سودی نصیب‌شان نشده، بلکه برای مدت‌ها سرمایه‌شان قفل شده است. در مقابل، بازیگران حرفه‌ای بازار که تجربه و منابع اطلاعاتی بیشتری داشتند یا زودتر از بازار خارج شدند یا اساساً در اوج هیجان، فروشنده بودند نه خریدار.

این تجربه محدود به بازار ارز نیست. بازار سکه و طلا نیز بارها چنین رفتاری را نشان داده است؛ قیمت‌هایی که در فضای ترس و التهاب بالا رفته‌اند و پس از کاهش ریسک‌های بیرونی، به سطوح پایین‌تر بازگشته‌اند.

در سال‌های اخیر، نقش شبکه‌های اجتماعی در تشدید هیجان‌های اقتصادی انکارناپذیر است. کانال‌ها و صفحات متعدد، با تیتروهای هشداردهنده و گاهی اغراق‌آمیز، به ترس عمومی دامن می‌زنند. عباراتی مانند «آخرین فرصت خرید»، «قیمت‌ها در راه انفجار» یا «دولت دیگر کنترلی ندارد» به‌سرعت منتشر می‌شوند و ذهن مخاطب را آماده تصمیم‌های شتاب‌زده می‌کنند. در چنین فضای، تحلیل‌های کارشناسی و داده‌محور کمتر دیده می‌شود و احساسات جمعی، فرمان بازار را به‌دست می‌گیرد. نتیجه این روند، افزایش تقاضای غیرواقعی و حباب‌های قیمتی است؛ حباب‌هایی که دیر یا زود تخلیه می‌شوند.

چرا مردم در اوج می‌خرند؟

پاسخ این سوال بیش از آنکه اقتصادی باشد، روان‌شناختی است. ترس از جاماندن از موج، بی‌اعتمادی به آینده و خاطره تورم‌های گذشته باعث می‌شود، بسیاری تصور کنند «اگر امروز نخرم، فردا در است». این ذهنیت، حتی زمانی که نشانه‌هایی از اشباع بازار وجود دارد، افراد را به خرید سوق می‌دهد. در حالی که تجربه نشان داده است بازارها همیشه در مسیر صعودی حرکت نمی‌کنند و دوره‌های اصلاح، بخش جدایی‌ناپذیر آنهاست. اما در لحظه هیجان، این واقعیت‌ها به‌راحتی نادیده گرفته می‌شوند.

برخلاف تصور عمومی، بازندگان اصلی موج‌های هیجانی، دلان بزرگ یا بازیگران حرفه‌ای نیستند. این گروه‌ها معمولاً از نوسان‌ها سود می‌برند. بازندگان واقعی، خانوارهایی هستند که با امید حفظ ارزش پس‌انداز یا کسب سود سریع وارد بازار شده‌اند و در نهایت، با دارایی مواجه می‌شوند که نقدشوندگی پایینی دارد یا ارزش آن کاهش یافته است.

این زیان فقط مالی نیست؛ بی‌اعتمادی، استرس و فشار روانی ناشی از تصمیم‌های اشتباه، اثرات بلندمدتی بر زندگی افراد می‌گذارد.

درس‌هایی که جدی گرفته نمی‌شود

باجود تکرار این تجربه‌ها، به نظر می‌رسد حافظه اقتصادی جامعه کوتاه‌مدت است. هر موج جدید، با این تصور همراه است که «این بار فرق می‌کند». در حالی که مرور داده‌ها و روندهای گذشته نشان می‌دهد که در اغلب موارد، پس از فروکش کردن هیجان‌ها، بازار به تعادل نزدیک‌تر شده است. تحلیلگران اقتصادی بارها تأکید کرده‌اند که تصمیم‌گیری در فضای ترس و هیجان، تقریباً همیشه به زیان منجر می‌شود، اما این توصیه‌ها، در برابر موج احساسات جمعی، اغلب کم‌اثر می‌ماند.

شاید مهم‌ترین راهکار، تقویت سواد اقتصادی و پذیرش این واقعیت باشد که هیچ بازاری بدون ریسک نیست. نگاه کوتاه‌مدت و سودمحور، افراد را به دام موج‌هایی می‌اندازد که پایان‌شان قابل‌پیش‌بینی است. در مقابل، صبر، تحلیل و توجه به متغیرهای بنیادی می‌تواند از بسیاری زیان‌ها جلوگیری کند. همچنین سیاست‌گذاران و رسانه‌ها نقش مهمی در مدیریت انتظارات دارند. شفافیت اطلاعات و پرهیز از پیام‌های مبهم، می‌تواند از شکل‌گیری هیجان‌های کاذب بکاهد. مرور موج‌های هیجانی سال‌های گذشته، از جهش‌های ارزی گرفته تا نوسان‌های طلا و سایر دارایی‌ها، یک پیام روشن دارد؛ هیجان، مشاور خوبی برای تصمیم‌های اقتصادی نیست. خریداران شتاب‌زده‌ای که در اوج التهاب وارد بازار می‌شوند، اغلب بازندگان اصلی هستند؛ حتی اگر در لحظه تصور کنند تصمیمی هوشمندانه گرفته‌اند.

اقتصاد ایران بارها این درس را تکرار کرده است. شاید وقت آن رسیده که به‌جای تکرار خطاهای گذشته، از تجربه‌ها یاد بگیریم و بدانیم در بازارهای ملتهب، گاهی بهترین تصمیم، صبر کردن است.



آگهی مزایده عمومی (نوبت دوم)

شرکت صنایع سیمان گیلان سبز (سهام‌ها خاص)

در نظر دارد، اقلام مزاد را بر نیاز خود واقع در استان تهران، شهر تهران، خیابان فردوسی، خیابان شهید تقوی، کوچه انوشیروانی، پلاک ۵ را به شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:

ردیف	نوع خودرو	تعداد
۱	سواری پژو پارس	یک دستگاه
۲	سواری توسان	یک دستگاه

کلیه افراد حقیقی و حقوقی (به استثناء پرسنل کارخانه و دفتر مرکزی) می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده به درگاه اینترنتی شرکت سیمان گیلان سبز به نشانی: **www.gsccement.ir** مراجعه نمایند و پیشنهادات خود را ظرف مدت ۷ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی و تا پایان ساعت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ به واحد حراست هلدینگ سیمان تهران ارائه نمایند.

زمان بازدید: روزهای یکشنبه تا سه‌شنبه مورخ ۱۹ تا ۲۱ بهمن ماه ۱۴۰۴ و روزهای شنبه تا دوشنبه مورخ ۲۵ تا ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴

ساعت بازدید: از ساعت ۸:۰۰ صبح تا ۱۴:۰۰

شرکت صنایع سیمان گیلان سبز